



شناسایی نقش اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش و هنجارهای علم در ارتقای کیفیت نظام دانشگاهی

لیلا محمدزاده (دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی از دانشگاه فردوسی مشهد)

Email: Sahar_571@yahoo.com

چکیده:

ارزیابی شایستگی‌های حرفه‌ای و عملکرد اعضای هیأت علمی، از موضوعات مورد توجه مؤسسات آموزش عالی است. از سوی دیگر، محیط‌های آموزشی و به ویژه دانشگاه‌ها، وظیفه‌ای خطیر در جهت تربیت افراد و رشد و توسعه جامعه ایفا می‌کنند؛ بنابراین، رعایت اخلاق حرفه‌ای توسط اعضای هیأت علمی به خاطر تاثیرگذاری شگرف روی دانشجویان و نقش آن‌ها در ترویج اخلاق حرفه‌ای، از اهمیت زیادی برخوردار بوده و کیفیت آموزش عالی را متأثر می‌سازد. در این مطالعه ضمن شناسایی اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش، میزان پایبندی به هنجارهای علم در اعضای هیأت علمی (مدیران) دانشگاه فردوسی مشهد (به عنوان بخشی از اصول اخلاق حرفه‌ای در پژوهش) بر حسب مرتبه علمی و رشته تحصیلی با یکدیگر مقایسه و نقش آن‌ها در ارتقای کیفیت نظام دانشگاهی تبیین گردید.

روش: در بخش اول پژوهش از مطالعه مروری و در بخش دوم تحقیق از روش کمی غیرآزمایشی (توصیفی-مقطعی) و آزمون‌های آماری U مان-ویتنی و کروسکال-والیس استفاده شد.

یافته‌ها: بررسی منابع مرتبط با موضوع پژوهش نشان داد که اخلاق حرفه‌ای در حوزه آموزش مشتمل بر ۹ اصل صلاحیت محتوا، صلاحیت یاددهی-یادگیری، پرداختن به موضوعات حساس، رشد دانشجو، رابطه دوسویه با دانشجویان، رازداری، احترام به همکاران، سنجش معتبر دانشجویان و احترام به سازمان است. در حوزه اخلاق حرفه‌ای در پژوهش، بین میزان پایبندی اعضای هیأت علمی (مدیران) به هنجارهای علم (جهان‌گرایی، اشتراک‌گرایی، شک سازمان یافته و بی‌طرفی عاطفی) براساس مرتبه علمی، تفاوت معنی‌داری از لحاظ آماری وجود نداشت. اما، در میزان پایبندی به هنجارهای علم، برحسب رشته تحصیلی تفاوت معنی‌داری مشاهده شد.

کلمات کلیدی:

اخلاق حرفه‌ای، هنجارهای علم، ارتقای کیفیت، آموزش عالی



مقدمه:

نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جوامع یک باور انکار ناپذیر در سطح بین الملل است. از این رو رسالت های بنیادی دانشگاه ها تربیت نیروی متخصص مورد نیاز ، تولید دانش و کمک به رشد و پیشرفت آن در سطح جامعه می باشد. این نوع اهداف که در زمره غایت های پیامدی نظام قرار می گیرند خود نیز به عنوان معیار ارزیابی کیفیت دانشگاه ها محسوب می شوند [۴].

کیفیت در آموزش عالی براساس تعریف ارائه شده از سوی "شبکه بین المللی نهادهای تضمین کیفیت" عبارت است از تطابق وضعیت آموزش عالی با الف) استانداردهای از قبل تعیین شده و ب) رسالت هدف و انتظارها. [۴]

از عوامل مؤثر جهت دستیابی به اهداف و ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی دو گروه اصلی را می توان مورد مطالعه قرار داد؛ عوامل فنی شامل مواد، تکنولوژی، فرایند تولید و دیگری عوامل انسانی است که ساختار اساسی و اصلی نظام آموزش عالی و یا به عبارتی «ستون فقرات» نظام دانشگاهی را تشکیل می دهند و در میان عوامل انسانی نیز اعضای هیأت علمی و مدیران به لحاظ فعالیت ها و وظایفی که دارند و انتظاراتی که از آن ها می رود نقش اصلی را برعهده دارند [۳]

علاوه بر دو عامل فنی - مواد، تکنولوژی، فرایند تولید- و انسانی که برای دستیابی به اهداف نظام آموزش عالی مورد بحث قرار گرفت، عواملی مانند؛ زمینه ای که نظام آموزشی در آن قرار می گیرد را، نیز باید مدنظر قرارداد. زمینه، اشاره به محیط درونی و بیرونی یک سیستم دارد، که محصول یک روند تاریخی است، بدین معنا که، در طول حیات سیستم، تقابلی ما بین نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصتها، شکل می گیرد که منجر به ایجاد زمینه ای، مبتنی بر قواعد، اصول و ضوابطی می شود که به کمک آن اجزا سیستم خواهند توانست، توانمند تر به هدف مشترک دست یابند. به تعبیر دیگر این عامل به عنوان تسهیل گر بروز فعالیت های دو عامل فوق الذکر به شمار می آید.

بنابراین نظر مرتون وجود یک ساختار هنجاری قوی در درون نظام دانشگاه می تواند هدایت کننده این دسته از عوامل در جهت بهبود و ارتقاء وضعیت علم و به دنبال آن ارتقا کیفیت نظام دانشگاه باشد.

۱. اخلاق حرفه ای در نظام دانشگاه:

دانشگاه از جمله نهادهای مهم اجتماعی است که ، عقلانیت و خردورزی نقش بسیار مهمی در آن دارد. شاید بتوان محوری ترین عنصر این نهاد را خردورزی دانست. محیط دانشگاه، برای اعضای خویش هویت جدیدی به وجود می آورد که آنها را از دیگر افراد متمایز می سازد.

به تعبیر دیگر، نوعی درک جدید از خود به فرد می دهد و همین درک ، مجموعه نگرشی - رفتاری او را متأثر می سازد. به عبارت دیگر جامعه نیز او را فردی می پندارد که به لحاظ اندیشه و فکری ، رشد یافته تر است و به همین دلیل انتظارات ویژه ای از او می طلبد [۸]. در واقع ، این انتظارات بر اساس هنجارها و قواعد معین جامعه علمی بروز می یابند ، همان ساختاری که مرتون آن را ساختار هنجاری و یا اخلاقیات علم می نامد.

۲. عوامل پایه ای اخلاق حرفه ای

"زیونتنس" عواملی را به منزله عوامل پایه ای برای اخلاق حرفه ای برمی شمارد که عبارتند از:



۲-۱. استقلال حرفه‌ای اخلاق علمی

این عامل مانند اخلاق در هر نظام حرفه‌ای دیگر باید منعکس‌کنندهٔ هنجارهای درونی حرفه و احساس تعهد اخلاقی از سوی خود حرفه‌ای‌ها و نهادهای تخصصی آنها باشد، نه آنکه در قالب بایدها و نبایدهای اخلاقی به آنها تحمیل و قبولانده یا گوشزد شود.

۲-۲. خودفهمی حرفه‌ای

پایه و اساس اخلاق، خودفهمی حرفه‌ای است. افراد تنها با فهمی از کار و فعالیت حرفه‌ای خود، فلسفه آن و نسبتش با زندگی مردم است که به درک اخلاقی از آن نائل می‌آیند و در نتیجه، در مناسبات خود با طبیعت و جهان پیرامون خود، نوعی احساس درونی از تعهد به آن ارزش‌ها پیدا می‌کنند.

۲-۳. عینیت‌گرایی، بی‌طرفی و عدم جانب‌داری

از مهم‌ترین اصول اساسی که در اغلب اسناد و مباحث مربوط به اخلاق حرفه‌ای علمی مورد تأیید قرار می‌گیرد، رعایت عینیت‌گرایی و بی‌طرفی است. فردی که اخلاق حرفه‌ای را در زندگی شغلی‌اش به کار می‌گیرد، نباید جانب‌داری غیرعقلانی نسبت به منبعی که دارای صفات غیراخلاقی است نشان دهد.

۲-۴. فراتر رفتن از مفهوم معیشتی

تا زمانی که فردی درگیر مسائل فیزیولوژیکی باشد، توجه به مسائل دیگر کم‌رنگ‌تر خواهد بود. معنای اخلاق حرفه‌ای با عبور از مفهوم معیشتی آن به عرصهٔ ظهور می‌رسد. زمانی که افراد در فعالیت و کسب‌وکار حرفه‌ای خود از سطح گذران زندگی مادی فراتر می‌آیند، دست‌کم سه سطح دیگر از فعالیت‌های علم و فناوری برای آنها معنا می‌یابد: احساس کارآیی، اثربخشی و تولید کیفیت به عنوان ارزش افزوده؛ احساس خدمت به مردم و مفید واقع‌شدن؛ احساس رهاسازی از طریق بازتوزیع فرصت‌ها و نقد قدرت [۱۳].

بنا بر اهداف تعیین شده برای هر نظام دانشگاهی حرفه اصلی اعضای هیئت علمی در دو ساحت آموزش و پژوهش تعریف و تدوین می‌گردد. از این رو یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های مدیران کارآمد در سطوح مختلف نظام دانشگاهی، چگونگی ایجاد بسترهای مناسب برای عوامل انسانی شاغل در حوزه آموزش و پژوهش است تا آنها با حس مسئولیت و تعهد کامل به حرفهٔ خود بپردازند و اصول اخلاقی حاکم بر حرفهٔ خود را رعایت کنند.

اخلاق حرفه‌ای در حوزه آموزش به طور مشترک در تمامی موسسات آموزش عالی مبتنی بر ۹ اصل ذیل می‌باشد

- توانمندسازی دانشجویان: اساتید به دلیل نقش معلمی که دارند بایستی تمام سعی خویش را در تکامل شناختی دانشجویان خود اعمال نمایند.
- تسلط به محتوی: مدرس بایستی بر محتوی و اهداف دوره ویا واحد آموزشی تسلط کاملاً مسلط باشد.
- سنجش معتبر دانشجویان: ارزشیابی دانشجویان باید کاملاً مبتنی بر اصول سنجش و به طور شفاف و بدون سوگیری صورت گیرد.
- تسلط به مهارت‌های تدریس (فرایند یاددهی - یادگیری): مدرسین باید بر اصول آموزش، روشهای تدریس و مدیریت کلاسی مسلط باشند و از روشهای تدریس اثر بخش که منجر به تحقق اهداف دوره آموزشی می‌گردد، بهره‌گیرند.
- امانت‌داری: اطلاعات شخصی دانشجویان، نمرات و ارتباطات فردی به عنوان مطالب محرمانه تلقی می‌گردد و تنها در صورت رضایت دانشجو قابل انتقال می‌باشند



- احترام به همکاران : در عین اینکه به مقام و شان همکاران خوداحترام می‌گذارد در تعامل سازنده با آنان به رشد حرفه ای خود و آنان کمک نماید.
- احترام به سازمان : لازم است تا اعضای هیئت علمی دانشگاه نسبت به اهداف آموزشی و سیاستهای دانشگاه متعهد باشند و از آنها تبعیت نمایند.
- پرداختن به موضوعات حساس: محتوی که در کلاس درس به دانشجویان ارائه می‌شود بایستی کاملاً به روز متناسب باشد و علاوه بران بر اساس نیاز آنها تدوین گردد.
- ارتباطات دو طرفه : استاد باید از ورود به یک رابطه عاطفی و شخصی با دانشجو پرهیز نماید و در عین حال جلب مشارکت و همراهی از دانشجویان در امور مختلف آموزشی از آنها داشته باشد [۲].

اصولی اخلاقی حاکم بر حیطه پژوهش متکی بر دو دسته هنجارهای اجتماعی و روش شناختی (فنی) است. ریزمولفه روش شناختی به رعایت اصول فنی تحقیق اشاره دارد که فرد به عنوان پژوهشگر باید نسبت به آن آگاهی و تسلط داشته باشد و نسبت به رعایت آن تعهد داشته باشد. استاندارد های اخلاقی در حوزه فنی پژوهش عبارتند از : انتخاب دقیق و بدون سوگیری جامعه، پرهیز از سرقت ادبی وجعل و دستکاری یافته ها، رعایت ملاحظات اخلاقی نسبت به آزمودنی ها ، گزارش تحقیق و... می باشد.

از نگاه مرتون، عناصر اصلی هنجارهای اجتماعی مشتمل بر جهان‌گرایی^۱، اشتراک‌گرایی^۲، بی‌تفاوتی عاطفی^۳ و شک سازمان یافته^۴ می باشد. او معتقد است «خلوص علم^۵، احساسی است که دانشمند در فرایند جامعه‌پذیری علمی آن را دریافت می‌کند» [۳]. او همچنین ادعا می‌کند که رعایت این هنجارها توسط دانشمندان نه تنها به پیشرفت و خود سامانی علم کمک خواهد کرد بلکه بر هوشیاری علمی نیز مؤثر واقع خواهد شد. در تأیید این مدعا می‌توان به نظرات فیور، تون و شیولسن^۶ (۲۰۰۲) استناد کرد که معتقدند مجموعه این ارزش‌ها و هنجارها به خودگردانی جامعه دانش پژوهان کمک و پیشرفت آن را شدنی می‌کند. آن‌ها همچنین کلید بهسازی کار پژوهش را نگاه داشتن و گستراندن چنین مجموعه‌ای از دانش پژوهان می‌دانند و معتقدند که آن‌چه دانش پژوهان را بهم پیوند می‌زند هنجارها و ارزش‌ها و آیین‌هایی هستند که در تمامی زمینه‌های دانش پژوهی نمود پیدا می‌کنند و اگر این هنجارها همراه اهل علم باشند و به کار گرفته شوند از آن‌ها افرادی خواهد ساخت که بتوانند دیدگاه‌های گوناگون در کار و رشته خود را به چالش بگیرند و چارچوب‌های نوینی را برای کار خود پدید آورند [۱۴].

هنجارهای علم مجموعه متوازی از ارزش‌هاست و مشتمل بر چهار مؤلفه جهان‌گرایی، اشتراک‌گرایی، شک سازمان یافته و بی‌طرفی عاطفی است [۸]. منظور از جهان‌گرایی این است که دانشمندان پژوهش را براساس شایستگی آن (معیارهای غیرشخصی منطبق با مشاهدات و دانش قبلاً تایید شده) ارزیابی می‌کنند. در اشتراک‌گرایی، دانشمندان آزادانه همه همکاران را در یافته‌های جدید سهیم می‌کنند. منظور از بی‌طرفی عاطفی این است که محرک دانشمند آرزو برای معرفت و کشف و نه احتمال نفع شخصی است. در شک سازمان یافته، دانشمندان به تمام شواهد جدید، فرضیه‌ها و نظریه‌ها توجه می‌کنند حتی آن‌هایی که مخالف و متضاد با کار خودشان است.

الگوی نظری تحقیق:

براساس مفاهیم نظری که مطرح گردید در جهت ارتقا کیفیت نظام دانشگاهها باید به تحقق اهداف پیامدی آن کمک نمود و به نظر می‌رسد که در کنار عوامل مختلف دخیل در این مسیر مهمترین عاملی که مستتر است و کمتر

1. universalism
2. commonality
3. disinterestedness
4. organized skepticism
5. purity of science
6. Fewer, Towne & Shavelson



بدان توجه شده، اخلاق حرفه ای می باشد که در فرایند جامعه پذیری جامعه دانشگاه شکل می گیرد و رشد و نمو می نماید(شکل ۱) در همین راستا، در این پژوهش بر بعدی از این روند که برکنش متقابل میان دو مقوله؛ هنجارهای

صلاحیت محتوا،

صلاحیت یاددهی -

یادگیری،

پرداختن به موضوعات

حساس،

رشد دانشجو،

آموزش و تربیت

کیفیت نظام

دانشگاه

تولید علم

اشتراک گرایی

رابطهٔ دوسویه با دانشجو

رازداری

شک سازمان یافته

احترام به همکاران

اصول اخلاقی آموزش

هنجار اجتماعی / فنی شکل ۱ تقابل اهداف و کیفیت نظام دانشگاه در بستر اخلاق حرفه ای

علم متضمن چهار مولفه؛ جهان گرایی، اشتراک گرایی، شک سازمان یافته و بی طرفی عاطفی و میزان تولیدات علمی در دانشگاه تاکید شده است، می پردازد. در واقع پژوهشگران با اتکا بر یافته های نظری و پژوهشی موجود، قصد دارند کانون توجه خود را صرفاً به ارتباط میزان پایبندی مدیران به هنجارهای علم و میزان تولیدات علمی در دانشگاه معطوف نمایند. علاوه بر این، عوامل دیگری از قبیل؛ مرتبه علمی و رشته های تحصیلی که به نظر می رسد در فرایند تحکیم و تقویت روند پذیرش و پایبندی به هنجارهای علم از سوی مدیران تاثیر باشند، نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

روش

در بخش اول پژوهش از مطالعه مروری و در بخش دوم تحقیق از روش کمی غیرآزمایشی (توصیفی-مقطعی) استفاده شد. در بخش دوم پژوهش کلیه مدیران صف و ستاد عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، که سابقه مدیریتی آنها حداقل ۲ سال بود، مورد مطالعه قرار گرفتند. گردآوری داده‌ها درباره افراد جامعه مورد مطالعه از طریق شمارش کامل (سرشماری) صورت گرفت. این اقدام با توجه به گستره حجم جامعه آماری انجام پذیرفت. توزیع فراوانی مدیران برحسب مرتبه علمی و رشته تحصیلی به شرح زیر بود:



مرتبۀ علمی	فراوانی (درصد)	رشته تحصیلی	فراوانی (درصد)
مربی	۱ (۱/۳)	علوم انسانی	۳۳ (۴۱/۳)
استادیار	۵۷ (۷۲/۲)	علوم پایه	۱۴ (۱۷/۵)
دانشیار	۱۶ (۲۰/۰)	فنی - مهندسی	۱۲ (۱۵/۰)
استاد	۶ (۷/۵)	کشاورزی - دامپزشکی	۲۱ (۲۶/۳)
جمع	۸۰ (۱۰۰/۰)	جمع	۳۳ (۴۱/۳)

جدول (۱): توزیع فراوانی و درصد مدیران برحسب مرتبۀ علمی و رشته تحصیلی

برای گردآوری داده‌های مربوط به میزان پایبندی مدیران دانشگاه به هنجارهای علم از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه با توجه به چهار مؤلفه اصلی جهان‌گرایی، اشتراک‌گرایی، شک سازمان یافته و بی‌طرفی عاطفی تدوین گردید. گزینه‌های هر گویه در یک پیوستار هفت درجه‌ای از "کاملاً موافق تا کاملاً مخالف" تنظیم شدند. روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از قضاوت متخصصان موضوعی و روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت. جهت برآورد اعتبار پرسشنامه از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب به دست آمده ۰/۸۴ و رضایت‌بخش بود.

جهت توصیف و تحلیل یافته‌های مرتبط با میزان پایبندی به مؤلفه‌های هنجارهای علم در مدیران علاوه بر شاخص‌های توصیفی از آزمون‌های آماری U مان-ویتنی و کروسکال-والیس نیز استفاده شد.

یافته‌ها

بررسی میزان پایبندی مدیران در سطح دانشگاه فردوسی مشهد نشان داد که هنجارهای جهان‌گرایی، اشتراک‌گرایی، شک سازمان یافته و بی‌طرفی عاطفی رتبه‌های اول تا چهارم را به خود اختصاص داده‌اند

براساس اطلاعات حاصل از U مان ویتنی در جداول (۲) و (۳) مشاهده می‌شود که تفاوتی ما بین میانگین میزان پایبندی به هنجارهای علم در مرتبه‌های علمی مختلف وجود ندارد و این بدان معنا است که از نظر آماری، میان میزان پایبندی مدیران به هنجارهای علم براساس مرتبۀ علمی آن‌ها تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است.

جدول (۲): مقایسه میانگین رتبه‌های میزان پایبندی مدیران به هنجارهای علم برحسب مرتبۀ علمی

مجموع رتبه‌ها	میانگین رتبه‌ای	تعداد	مرتبۀ علمی	میزان پایبندی به هنجارهای علم
۲۳۵۰/۵۰	۴۰/۵۳	۵۸	مربی - استاد یار	
۸۸۹/۵۰	۴۰/۴۳	۲۲	دانشیار - استاد	
		۸۰	جمع	



جدول (۳): نتیجه اجرای آزمون لمان - ویتنی

میزان پایبندی به هنجارهای علم	
۶۳۶/۵۰۰	مان ویتنی U
۸۸۹/۵۰۰	Wilcoxon W
-۰/۰۱۶	Z
۰/۸۹۷	سطح معنی‌داری

براساس اطلاعات حاصل از آزمون کروسکال-والیس، جداول (۴) و (۵) می‌توان دریافت که گروه کشاورزی- دامپزشکی در مقایسه با سایر گروه‌ها، بالاترین میانگین و گروه علوم انسانی پایین‌ترین میانگین را در زمینه پایبندی به هنجارهای علم، دارا می‌باشند.

جدول (۴): مقایسه میانگین‌های رتبه ای گروه‌های مختلف آموزشی برحسب میزان پایبندی به هنجار

میانگین رتبه ای	تعداد	گروه‌های آموزشی	
۲۸/۹۶	۳۴	علوم انسانی	پایبندی به هنجارهای علم
۴۵/۷۳	۱۵	علوم پایه	
۴۳/۹۵	۱۰	فنی مهندسی	
۵۳/۸۱	۲۱	کشاورزی - دامپزشکی	
	۸۰	جمع	

جدول (۵): نتیجه اجرای آزمون کروسکال - والیس

پایبندی به هنجارهای علم	
۱۶/۲۶۶	خی دو
۳	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری



جدول (۶): مقایسه گروه‌های مختلف آموزشی برحسب میزان پایبندی به هنجارهای علم

Subset for alpha = .05		تعداد	گروه آموزشی
۲	۱		
	۳۵۸/۶۴۷۱	۳۴	علوم انسانی
۳۷۶/۷۰۰۰۰	۳۷۶/۷۰۰۰۰	۱۵	علوم پایه
۳۸۲/۸۶۶۷	۳۸۲/۸۶۶۷	۱۰	فنی مهندسی
۳۹۵/۵۷۱۴		۲۱	کشاورزی - دامپزشکی
۰/۳۵۱	۰/۰۸۸		سطح معنی‌داری

براساس جدول (۶) حاصل از آزمون توکی مشاهده می‌شود که میزان پایبندی مدیران نسبت به هنجارهای علم در گروه آموزشی کشاورزی - دامپزشکی در مقایسه با گروه علوم انسانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین می‌توان این چنین بیان نمود که میان میزان پایبندی مدیران نسبت به هنجارهای علم، برحسب رشته‌های تحصیلی آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری:

در این پژوهش ضمن شناسایی اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش، میزان پایبندی مدیران عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد نسبت به هنجارهای علم و نقش آن در ارتقای کیفیت نظام دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفت.

معیارهای اخلاقی همچون نقشه‌های راهنمایی هستند که به اعضاء یک سازمان کمک می‌کنند تا نقشهای خود را به روشنی و وضوح کاملی ایفاء نمایند. این معیارها برگرفته از فرهنگ بومی - فرهنگ مدنی روز و بخصوص در کشور ما متأثر از دین مبین اسلام است.

اساساً میزان توسعه و رشد اخلاق حرفه‌ای بستگی به میزان کارکرد موفق اخلاق حرفه‌ای و همین‌طور میزان تغییرپذیری آن دارد. هر قدر مزایای حاصل از رعایت اخلاق حرفه‌ای فراگیرتر باشد میزان تعهد به اصول آن از درجه بالاتری برخوردار است. هر قدر محدودیتهای اعمال شده ناشی از اصول اخلاق حرفه‌ای منطقی‌تر و در رشد سازمان موثرتر باشد، پایبندی به آن محکمتر خواهد بود.

تعمیق و گسترش ارزش‌های حاکم بر رفتار علمی و حرفه‌ای در همه سطوح دانشگاهی می‌تواند موجب افزایش التزام اجتماعی استادان و دانشجویان و اعتماد بیشتر جامعه به دانشگاهیان و سلامت ارتباطات علمی و فعالیت‌های پژوهشی گردد.

اطلاعات به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده نشان داد که میان میزان پایبندی مدیران به هنجارهای علم برحسب مرتبه علمی آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این امر بدان معنی است که برخلاف انتظار، میان مدارج علمی مختلف تفاوت قابل ملاحظه‌ای از نظر میزان تعهد هنجاری وجود ندارد. باید در نظر داشت که خاستگاه اولیه و مبنای آداب و رسوم علمی را تجربیات افراد در درون جامعه علمی تشکیل می‌دهد. در واقع، جهت‌گیری نسبت به هنجارهای علم از طریق فرآیند جامعه‌پذیری آکادمیک اتفاق می‌افتد؛ جایی که افراد در سطوح متفاوت به برقراری ارتباط با یکدیگر ترغیب می‌شوند و الگوهای رفتاری و ارزش‌های مربوط به علم و تحقیقات علمی و دانشگاهی را نهادینه می‌کنند. این بدان معناست که فرایندهای جامعه‌پذیری موجب می‌شوند که ساختار ارزشی جامعه انگیزش‌ها و جهت‌گیری رفتار فردی را شکل دهند. شکل‌گیری انگیزش‌ها توسط ارزش‌های نهادینه موجب هماهنگی خود به خود رفتارهای اعضای جامعه با همدیگر می‌شود؛ به عبارت دیگر، الگوهای ارزشی در نهاد



علم با تعیین انتظارات از نقش‌ها، به سازگاری انگیزش‌های فردی با این انتظارات می‌پردازند [۴] و بنابراین انتظار است که هر چه افراد از تجربیات اجتماعی بیشتری برخوردار باشند و یا به نوعی در معرض فرایند جامعه‌پذیری صحیح‌تری قرار گیرند، آداب و رسوم علمی را بهتر فرا بگیرند و به آن نیز پایبندتر باشند و بر همین اساس است که مولکلی افراد وابسته به سلسله مراتب متوسط و بالای علمی را در قیاس با افراد وابسته به سلسله مراتب پایین علمی هنجار طلب‌تر فرض کرده و ذکر نموده است که در این افراد گرایش کمتری به انحراف از عقاید یا هنجارهای گروهی وجود دارد [۷] و این در حالی است که نتایج کسب شده از پژوهش سووازی، اندرسون (۱۹۹۶) و ودادهیر (۱۳۷۷) نشان می‌دهد نوعی دوگانگی میان گرایش دانشجویان تحصیلات تکمیلی - افراد در سلسله مراتب علمی پایین‌تر - و میزان پایبندی استادان آن‌ها - افراد وابسته به مراتب علمی بالاتر - نسبت به هنجارهای علم وجود دارد؛ به عبارت دیگر، به رغم تمایل زیاد دانشجویان به هنجارهای علم، در استادان آن‌ها، گرایش به انحراف از هنجارهای علمی وجود داشت [۱۵ و ۱۲]. آن‌ها این نوع دوگانگی را این چنین تبیین نمودند که عوامل دانشگاهی نظیر ساختار گروهی، جو گروه آموزشی و ورزیدگی دانشجویان، بیشتر تبیین کننده ضد هنجارهای علم است تا هنجارهای علم و در این میان تاثیر قابل توجه جو سازمانی بر گرایش هنجاری قابل ملاحظه است. محققین در پژوهش خود بر ضرورت وجود آموزش اخلاقیات پژوهش در راستای بهبود دانش و دیدگاه‌های دانشجویان نسبت به رفتار اخلاقی در پژوهش، تاکید نمودند. از این روست که چنین به نظر می‌رسد به رغم حضور متمادی اعضای دانشگاه و نائل شدن آن‌ها به درجات بالای علمی و در اغلب موارد با انباشتی از علم و دانش، نقدناپذیر، انحصارطلب و عاری از اخلاق عالمانه و روحیه علمی می‌باشند؛ چرا که خودسازی حرفه‌ای را فرا نگرفته‌اند و با منش و رفتار عالمانه، زندگی علمی و شرایط آن بیگانه‌اند. همان گونه که بیان شد این امر بدان دلیل است که این گونه افراد از بدو ورود به دانشگاه روند جامعه‌پذیری را در یک فضای مسموم طی نموده‌اند و هم چنین نظام آموزشی، قبل و بعد از ورودشان به جرگه اهل علم، اهتمام جدی را در زمینه تربیت و رشد اخلاق علمی حرفه‌ای (فرهنگ پژوهش) آن‌ها نداشته است.

یکی دیگر از عواملی که این فضا را تقویت می‌نماید عدم وجود قوانین حمایت کننده از نویسندگان و صاحبان فکر و اندیشه در کشور است. در میان قوانین مختلفی که در حوزه تحقیقات و فناوری تصویب و تدوین می‌شود خلاء وجود قوانینی مانند حق کپی رایت و مجازات جدی افرادی که دست به انحرافات از قبیل سرقت ادبی، جعل و یا دستکاری می‌زنند احساس می‌شود. در واقع، با اجرای این چنین قوانینی افراد وادار به رعایت اخلاق حرفه‌ای می‌شوند. این قوانین می‌تواند با تدوین منشور اخلاقی در سطح دانشگاه‌ها تحقق یابند؛ منشوری که علاوه بر طراحی، اجرا و آنالیز پژوهش، ثبت و نشر آن‌ها را نیز در برگیرد و به عنوان منعکس کننده تعهد دانشگاه در بالاترین سطوح مدیریتی به رعایت اخلاق در انتشار پژوهش باشد.

میان میزان پایبندی مدیران به هنجارهای علم برحسب رشته تحصیلی آن‌ها تفاوت معنی‌داری وجود داشت. با توجه به نتایج پژوهش، میانگین میزان پایبندی مدیران نسبت به هنجارهای علم در گروه کشاورزی - دامپزشکی از سایر گروه‌ها بیشتر بود؛ همچنان که ودادهیر (۱۳۷۷) در پژوهش خود روی ۲۷۲ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی در چهار رشته علوم اجتماعی، شیمی، زیست‌شناسی و عمران در چهار دانشگاه مختلف کشور به تفاوت قابل ملاحظه‌ای در پیروی دانشجویان رشته‌های چهارگانه از هنجارهای علم و تحقیقات دانشگاهی اشاره می‌کند [۱۱]. همچنین قاضی‌پور در پژوهش خود به این نتیجه رسید که میانگین تعهد هنجاری اعضای گروه علوم پایه بیش از گروه پزشکی و فنی و مهندسی و میانگین تعهد هنجاری گروه کشاورزی بیش از گروه علوم انسانی است؛ یعنی گروه علوم پایه و کشاورزی به هنجارهای علم متعهدتر از گروه‌های دیگر هستند و این موضوع سبب بروز اختلاف در زمینه میزان ارتباطات میان همکاران در گروه‌های آموزشی مختلف شد. آن چنان که در میان اعضای گروه کشاورزی بیشترین میزان ارتباطات و در گروه علوم انسانی کمترین میزان ارتباطات میان همکاران مشاهده گردید



فهرست منابع

- (۱) ایمانی پور، معصومه؛ اصول اخلاق حرفه ای در آموزش، مجله ایرانی اخلاق تاریخی پزشکی دوره پنجم، آذرماه ۱۳۹۱، صفحات ۳۵-۴۹.
- (۲) بازرگان، عباس؛ کیفیت و ارزیابی آن در آموزش عالی: نگاهی به تجربه های بین المللی، رهیافت، ماره پانزدهم، بهار ۱۳۷۶، صفحات ۶۰-۷۱.
- (۳) تقی پور ظهیر، علی؛ ارتقای کیفیت دانشگاه رویکرد سیستمی. مجله علوم انسانی، شماره ۲، سال دوم، ، ۱۳۷۵، صفحات ۹-۱۲.
- (۴) حسینی، رسول و بازرگان، عباس؛ فرایند هدف گذاری در علوم میان رشته ای و نقش هدف ها در ارزیابی کیفیت نظام دانشگاهی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره اول، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۸، صفحات ۱۴۵-۱۲۳.
- (۵) عبداللهی، محمد. عملکرد انجمنهای علمی در زمینه ترویج و توسعه علم اخلاق علمی. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۱، صفحات ۴۰-۴۷.
- (۶) قانع‌ی راد، محمد امین، شیوه جدید تولید دانش؛ ایدئولوژی و واقعیت. جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳، ۱۳۸۱، صفحات ۲۸-۵۹.
- (۷) مولکی، مایکل، علم و جامعه شناسی معرفت. ترجمه حسین کچویان، چاپ اول؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- (۸) محسنی، منوچهر، مبانی جامعه‌شناسی علم. چاپ اول تهران: گلشن، ۱۳۷۲.
- (۹) معیدفر، سعید؛ دانشگاه‌ها و اخلاق‌کاری، مجله فصلنو ۱۳۸۴
- (۱۰) مولکی، مایکل، علم و جامعه شناسی معرفت. ترجمه حسین کچویان، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- (۱۱) ودادهیر، ابوعلی و قاضی طباطبایی، محمود، سوگیری هنجاری و اخلاقی در پژوهشهای دانشگاهی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ۱۳۸۰، شماره ۳-۴، ۱۸۷-۲۲۶.
- (۱۲) ودادهیر، ابوعلی، بررسی عوامل موثر بر پیروی دانشجویان تحصیلات تکمیلی از هنجارها و ضد هنجارهای علم. دانشگاه تبریز: پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۷.
- 13) C.f: Zionist, T, L, Professional Standards of Educational Managers: Their Importance and Ease of Implementation. Retrieved from Proquest.com
- 14) Feuer, M.J., Towne, L., & Shavelson, R.J. (2002). *Scientific culture and educational research. Educational Researcher*, Vol. 31 (8), pp.4-14.
- 15) Swazey, J.P. & Anderson. M.S. (1996). *Mentoring, advisors, and role models in graduate and professional education, Association of academic Health Centers, Washington, D. C.*
- 16) Wilson, Ian, *ethics, social responsibility and strategy, journal of Strategy & Leadership*, V45, p15